

جلسه ی اول

(نگاهی به سیر انسان از منظر قرآن کریم)

(سخن آغازین)

(لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَ فَلَآ تَعْقِلُونَ)

کتابی (با عظمت) را به سوی شما نازل کردیم که
ذکر شما در آن است.

پس چرا عقل خود را به کار نمی‌گیرید؟

(سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۱۰)

این آیه‌ی شریفه، بعد از اعلام این که:
(قرآن کریم، کتاب ذکر انسان است)
شنونده را به **(تعقل در این حقیقت)**
تشویق و تحریک کرده، یا او را به خاطرِ
(تعقل نکردن در این حقیقت) توبیخ می‌کند:

(أَفَلَا تَعْقِلُونَ)

(پس چرا عقل خود را به کار نمی‌گیرید؟)

تدبر در این حقیقت که:

(قرآن کریم، کتاب ذکر انسان است)؛

دریچه‌ی دیگری را به روی انسان باز می‌کند،
تا در قرآن، با **(نگاهی دیگر)** تدبر و تعمق کند.

(نگاهی) از جنس **(نگاه در آینه)**

از یک طرف، قرآن کتابی است که از دو گروه
(اهل سعادت) و (اهل شقاء) سخن می‌گوید.

(يَوْمَ يَأْتِ ... فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ)

روزی در پیش است،
که آشکار می‌شود انسانها دو گروهند:
(شقی و سعید)

(اهالی سعادت) و خصوصیات آنها،
و راه رسیدن به (سعادت) را معرفی می کند:

(وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَبِالْجَنَّةِ)
(خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ)

و (اهل شقاء) و خصوصيات آنها،
و مسير (شقاء) را توصيف مى نمايد:

(فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِي النَّارِ)
(لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ شَهيقٌ)

از طرف دیگر، قرآن کتابی است که:
(آینه‌ی انسان) است.

در این نگاه، **(قرآن کتاب سیر انسان)** است.
در این نگاه، **(قرآن کتاب هدایت انسان)** است.
در این نگاه، **(قرآن کتاب ذکر انسان)** است.

در این نگاه،

(قرآن کتابِ داستانِ گذشتگان نیست)

(گرچه داستان گذشتگان هم در قرآن هست)

بلکه **(قرآن کتابِ انسان)** است.

در این نگاه، قرآن،
کتاب شخصی فرد انسانها است.
کتابی که:

مخاطب،
(خود را در آن جستجو می کند)

(قرآن، سفرنامه‌ی انسان است)

سفرنامه‌ای که گاهی در قالب عناوین است.
عناوینی همچون:

(متقیان و مومنان و شاکران و صالحان و ...)

(یا مشرکان و کافران و منافقان و فاسقان)

(و ظالمان و مکذبان و ...)

و گاهی این سفرنامه،
در قالب اسامی اشخاص،
و بیان خصوصیت آنها است؛
اشخاصی مانند:

(نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و ...)
(یا ابلیس و فرعون و هامان و قارون و ...)

و گاهی نیز این سفرنامه،
در قالب گروه‌ها
و بیان خصوصیت آنها است؛
گروه‌هایی مانند:

(ملائکه و شیاطین)

(قرآن، سفرنامه‌ی انسان است)

مسیر انسان،

و چگونگی پیمودن این مسیر را بیان می‌کند.

(جنبه‌های مختلف شخصیت انسان) را

در راستای (سعادت یا شقاء) معرفی می‌کند.

قرآن، میزانی را در اختیار می‌گذارد تا
هرکس جایگاه خود را بیابد که آیا:

(موسی است یا فرعون) / (ابراهیم است یا نمرود)
(هارون است یا قارون) / (ملک است یا شیطان)

و خلاصه این که (سعید است یا شقی)

(موسی و فرعون) / (ابراهیم و نمرود)

(هارون و قارون) / (ملک و شیطان)

حقایقی در جان انسان،

و جنبه‌های مختلف وجود انسان هستند.

(و قرآن، سفرنامه‌ی انسان است)

ذکر موسی بند خاطرها شدست
کین حکایتهاست که پیشین بُدست
ذکر موسی بهر روپوشست لیک
نور موسی نقد تست ای مرد نیک
موسی و فرعون در هستی تست
باید این دو خصم را در خویش جست

بیانی از کتابِ (المحجة البيضاء)
درباره‌ی (فرعون درون)

جناب فیض کاشانی (رحمه الله)
در کتابِ (المحجة البيضاء)
به نقل از غزالی،
درباره‌ی (فرعون درون) می‌گوید:

قال بعض العارفين:

ما من نفس إلا و هي مضمرة ما أظهره فرعون،
من قوله: **(أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى)**

هیچ کس نیست جز این که آنچه را فرعون،
با گفتن **(أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى)** اظهار کرد؛
در ضمیر او نهفته است.

و لكن فرعون وجد له مجالا و قبولا فأظهره.

ليكن فرعون قول خود را مقبول دانست،
و فرصت يافت آن را اظهار کند.

و ما من أحد إلا و هو يدعى ذلك
مع عبده و خادمه و أتباعه
و كل من هو تحت قهره و طاعته.

و هیچ کس نیست جز این که:
نسبت به برده و خدمتکار و پیروان،
و زیر دستان خود همین را ادعا می کند.

پایان کلام (المحجة البيضاء)

(نگاهی به مراحل سیر انسان)

برای دسترسی به عنوان بحث یعنی:
(نگاهی به سیر انسان از منظر قرآن کریم)

از جهات مختلفی می‌توانیم
به آیات قرآن کریم مراجعه کنیم.

اما سیر کلی این آیات را
می‌توان در سه بخش مورد بررسی قرار داد.

بخش اول:

(ساختار وجودی انسان)

بخش دوم:

(خصوصیات جاده‌ی سیر انسان)

بخش سوم:

(هدف و پایان سیر انسان)

شاید سه عنوانِ

(ساختار وجودی انسان)

(خصوصیات جاده‌ی سیر انسان)

(هدف و پایان سیر انسان)

محتوای روایتی باشد که:

به امیرالمومنین علیه افضل صلوات المصلین نسبت دارد.

جناب ملاصدرا رحمه الله،
در شرح أصول الكافي (صدرا)، ج ۱، ص: ۵۷۱
از امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلین نقل می‌کند:

قال امیرالمؤمنین علیه السلام:
(رحم الله امرئ اعد لنفسه و استعد لرمسه)
(و علم من این و فی این و الی این)

(رحم الله امرئ اعد لنفسه و استعد لرمسه)

خداوند مورد رحمت قرار داده کسی را که:
برای خودش توشه فراهم کرده،
و برای مرگ آماده شده است.

(و علم من این و فی این و الی این)

و می‌داند که:

از کجا است، در کجا است و به کجا می‌رود.

شاید (علم من این) اشاره به:
(ساختار وجودی انسان)

(فی این) اشاره به:
(خصوصیات جاده‌ی سیر انسان)

(الی این) اشاره به:
(هدف و پایان سیر انسان) باشد.

روزها فکر من این است و همه شب سختم
که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود
به کجا می روم آخر نمایمی وطنم
مانده‌ام سخت عجب، کز چه سبب ساخت مرا
یا چه بوده است مراد وی از این ساختنم
جان که از عالم علوی است، یقین می‌دانم
رخت خود باز برآنم که همانجا فکنم

مرغ باغ ملکوتم، نیم از عالم خاک
دو سه روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم
ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست
به هوای سر کویش، پر و بالی بزنم
کیست در گوش که او می‌شنود آوازم؟
یا کدام است سخن می‌نهد اندر دهنم؟
کیست در دیده که از دیده برون می‌نگرد؟
یا چه جان است، نگویی، که منش پیرهنم؟

تا به تحقیق مرا منزل و ره ننمایی
یک دم آرام نگیرم، نفسی دم نزنم
می وصلم بچشان، تا در زندان ابد
از سر عربده مستانه به هم در شکنم
من به خود نامدم اینجا، که به خود باز روم
آن که آورد مرا، باز برد در وطنم
شمس تبریز، اگر روی به من بنمایی
ولله این قالب مردار، به هم در شکنم

نگاهی به سیر انسان
از بیان سوره‌ی (تین)

به (سوره‌ی تین، آیات ۴-۶)
توجه فرمایید!

(و خلقت و سیر انسان)
را در این دو آیه، مشاهده کنید!

(لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ)
(ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ)
(إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)
(فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ)
(سورهى تين، آيات ۴-۶)

این آیات، در نهایت (ایجاز و اختصار)
به چهار امر مهم اشاره می‌کنند.

۱- (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ)

۲- (ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ)

۳- (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)

۴- (فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ)

قدم اول
خلقت انسان در أَحْسَنِ تَقْوِيمِ

(لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ)

بیانگر (جایگاه انسان در خلقت) در خلقت است.

آیه با ذکر یک قسم،

که (لام لَقَدْ) بیانگر آن است،

با اشاره به (ساختار وجودی انسان)

تاکید می‌کند که:

ما انسان را در (أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ) خلق کردیم.

اما مقصود از
خلقت انسان را در **(أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ)** چیست؟

معنای **(تَقْوِيمٍ)** این است که:
برای وجود بخشیدن به چیزی،
لازم است اجزاء اصلی آن را که،
هستی و قوام آن شیء به آنها است ایجاد کنیم.

مقصود از **(أَحْسَن)** قرار داشتن در
کانون و مصدر حُسن و نیکویی است.
در نتیجه:

معنای **(أَحْسَن تَقْوِيم)** این است که:
خلقت انسان و هستی بخشیدن به او،
در نهایت حُسن و نیکویی انجام شده است.

قدم دوم
(تَمَّ رَدَدْنَا هُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ)

(ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ)

بیانگر (خصوصیت جاده‌ی سیر انسان) است.

آیه بیان می‌کند که:

بعد از خلقت انسان و هستی بخشیدن به او،

در نهایت حُسن و نیکویی ما انسان را به:

(أَسْفَلَ سَافِلِينَ) برگردانند.

اما مقصود از
خلقت انسان را در **(أَسْفَلَ سَافِلِينَ)** چیست؟

کلمه‌ی **(سافل)** در مقابل **(عالی)** است.
مقصود از **(سافل)** پست و پایین است و
(أَسْفَلَ سَافِلِينَ) جایگاهی است که:
در کانون پستی و پایین بودن قرار دارد.

(ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ)

بیانگر این است که:

انسان دارای سیری از پایین به بالا است،
و این پایین و بالا، (مکانی) نیست،
بلکه (مقامی) است، و (أَسْفَلَ سَافِلِينَ)
(پایین‌ترین یا نقطه‌ی آغازین سیر انسان است)

قدم سوم
(إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)

(إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)

بیانگر **(نحوه‌ی سیر انسان)** است.

این آیه‌ی فوق العاده،

که ۵۰ بار در قرآن کریم تکرار شده است،

با بیانی شگفت و کوتاه،

بیانگر **(نحوه‌ی سیر انسان)** است.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) می‌گویند:

(سیر انسان) برای عبور از (أَسْفَلَ سَافِلِينَ)،
و صعود و بازگشت به (أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ)
در چرخه‌ی (ایمان و عمل صالح) است.

به زودی در خصوص این آیه، صحبت خواهیم کرد.

قدم چهارم
(فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ)

(فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ)

از (نتیجه‌ی سیر انسان) سخن می‌گویند.

نتیجه‌ی چرخه‌ی (ایمان و عمل صالح)

(أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ) است یعنی:

(اجر و پاداشی تمام نشدنی و دائمی)

(اجر و پاداشی تمام نشدنی و دائمی)

در دنیای فانی قابل دستیابی نیست.

دسترسی به

(اجر و پاداشی تمام نشدنی و دائمی)

فقط با سیر در (چرخه‌ی ایمان و عمل صالح)

و عبور از (أَسْفَلَ سَافِلِينَ)،

و صعود به (أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ) امکان پذیر است.

بحث بسیار مهم
(چرخه‌ی ایمان و عمل صالح)
را به جلسه‌ی آینده موكول می‌كنیم.

پایان جلسه ی اول

(نگاهی به سیر انسان از منظر قرآن کریم)

توسلی به حضرت ولیعصر (با اشعار مرحوم الهی قمشه‌ای)

ای جمال زیبایت، ظل حُسن یزدانی
گشته آشکار از وی، سرّ غیب پنهانی
ای رُخت به نیکویی، ماه در شب عالم
چهره‌ی دل آرایت، آفتاب نورانی
ای به کشور ایمان، شهریار بی همتا
وی به عرصه‌ی امکان، گنج علم سبحانی
آیت خدایی تو، جان مصطفایی تو
قلب مرتضایی تو، هفت سرّ قرآنی

ز انتظار عالم را، از کرم برون آور
ساز ملک گیتی را رشک باغ رضوانی
ما به محفل عشقت، همچو شمع و پروانه
سوز عاشقی در دل، داغ دل به پیشانی
چند دیده‌ی ما را، در رهت کنی جیحون
روشن از رُخت گردان، این جهان ظلمانی
بر کمال صنع خویش، حق تبارک الله گفت
چون تو را به حُسن آراست، ربّ نوع انسانی

از تو بر سر آدم، تاج عز کرّمناست
نوح را تویی رهبر، ز انقلاب طوفانی
موسی از جلالت یافت، ملک و عزت و دولت
عیسی از جمالت گشت، فرد قدس روحانی
زان جمال قدوسی پرده برفکن کز عشق
بر رُخت شود حیران، چشم ماه کنعانی
هم نهان و هم پیدا، در مثل چو خورشیدی
گرچه از نظر چندی است، زیر ابر پنهانی